

مقاله پژوهشی - فصلنامه علمی **رهپا**

سال شانزدهم، شماره ۶۱، زمستان ۱۴۰۱
صفحه ۲۸ تا ۳۸

تبیین کنشگری ژئوپلیتیکی گروه‌های تروریستی در ناحیه بلوچستان

حمیدرضا اله‌یاری/دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران
allahyari.imper@gmail.com

رسول افضلی/دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران(نویسنده مسئول) rafzali@ut.ac.ir

مرجان بدیعی اژنداهی/استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران mbadiee@ut.ac.ir

چکیده

ناحیه بلوچستان، پیش از انقلاب به عنوان یکی از نواحی کم‌برخوردار شناخته می‌شد. با استقرار حکومت جمهوری اسلامی و عدم تغییرات عمده در ناحیه بلوچستان و نیز تشدید خشکسالی‌های اقلیم، و به‌ویژه کاهش سهم این ناحیه از آب هیرمند، مجموعه تقابل‌های سیاسی و نظامی با حکومت مرکزی شدت گرفت و باعث فعالیت گسترده‌تر گروه‌های تروریستی در این ناحیه شد. تحقیق حاضر با روش تحلیل پدیدارشناسانه به بررسی کنشگری‌های ژئوپلیتیکی گروه‌های تروریستی در ناحیه بلوچستان پرداخته است. به‌منظور پدیدارشناسی کنشگری ژئوپلیتیکی گروه‌های تروریستی در بلوچستان، سه مقوله گسست ژئوکالچر، تشکیک در ایده حکومت و تصویرسازی ژئوپلیتیک به عنوان مجموعه کنشگری‌های گروه‌های تروریستی در نظر گرفته شد تا مشخص شود که این گروه‌ها با فعالیت‌های تبلیغاتی، جنگ روانی، چگونه از این مقوله ژئوپلیتیکی بهره‌برداری کرده‌اند. نتایج، نشان داد که مقوله گسست ژئوکالچر به مقوله هسته تهدید هنجارهای فرهنگی قوم بلوچ مرتبط است و به عنوان شرایط زمینه‌ای عمل می‌کند. مقوله تشکیک در ایده حکومت با مقوله هسته‌ای تعارض ساختاری-ماهوری نظام مستقر با ارزش‌های قوم بلوچ در ارتباط است و به‌عنوان شرایط مداخله‌گر عمل می‌کند. در نهایت، مقوله هسته‌ای نهایی تصویرسازی ژئوپلیتیکی، به‌عنوان پیامد دو مقوله پیشین، هدف غایی کنشگری ژئوپلیتیکی گروه‌های تروریستی که همان تولید ساخت سیاسی-فضایی مستقل و تجزیه‌ی بلوچستان است را عیان می‌کند.

کلیدواژه: کنشگری ژئوپلیتیکی، تروریسم، جنگ روانی، تصویرسازی ژئوپلیتیکی، ناحیه بلوچستان.

تاریخ تأیید ۱۴۰۱/۱۰/۱۵

تاریخ دریافت ۱۴۰۱/۰۷/۲۰

این مقاله بر گرفته از رساله دکتری آقای حمیدرضا اله‌یاری می‌باشد.

مقدمه

با پیدایش فناوری‌های نوین و علوم ارتباطات، ظهور وسایل ارتباط جمعی و رسانه‌های متنوع نوین، ابعاد تهدید نرم، گسترده‌تر و پیچیده‌تر شده است. بر این اساس فصل قابل توجهی از نظریه‌ها و راهبردهای قدرت‌های سلطه‌گر به این نوع تهدید اختصاص یافته است. در این میان، تهدیداتی که ابعاد نرم دارند به دلیل ماهیت پیچیده و اثربخشی چندلایه‌ای آن روی کشورهای هدف، اهمیت بیشتری یافته است. عملیات روانی استراتژیکی شامل فعالیت‌های گسترده و بلند مدتی است که با توجه به نقاط آسیب‌پذیر سیاسی، اقتصادی، نظامی و اجتماعی، علیه بخش عمده و یا تمامی مردم یک جامعه به کار گرفته می‌شود. این امر باعث سستی عقاید و آرمان‌ها می‌شود و ملت‌ها را نسبت به فرهنگ و تمدن خود، به شک و تردید می‌اندازد و به عبارتی، اراده و روحیه آنها را خدشه‌دار می‌کند. در سطح استراتژیک، اقدامات روانی و تبلیغات زیرکانه می‌تواند به متلاشی شدن اتحادها بیانجامد (Steiger, et al, 2018: 79). در این میان، پدیده‌آیی انقلاب اسلامی به مثابه‌ی قطب سوم در مقابل دو قطب ژئوپلیتیکی امپریالیسم و کمونیسم، مجموعه‌ای از همگرایی‌ها و وگرایی‌ها را در واکنش به آن برانگیخت. در میان واکنش‌های تعارض‌آمیز و تنش‌زا با سرشت انقلاب اسلامی، مجموعه‌ی به‌هم پیچیده‌ای از پاسخ‌های سخت و نرم صورت گرفت (متقی و قره‌بیگی، ۱۳۹۲: ۱۳۲). یکی از مهم‌ترین کانون‌های تخریب علیه انقلاب اسلامی به لحاظ تهدیدات نرم، فعالیت گروهک‌های تروریستی است که در بخش‌های مرزی ایران به‌ویژه در جنوب شرق مستقر هستند و گهگاه به صورت فیزیکی و انجام عملیات تروریستی (تهدیدات نیمه‌سخت و سخت) مدام از طریق رسانه‌های جمعی که از طرف کشورهای مخالف مانند عربستان سعودی، اسرائیل و آمریکا در اختیار آنها قرار گرفته، از عملیات‌های متنوع جنگ روانی علیه ساکنان استان سیستان و بلوچستان و در برخی مواقع در سطوح فرا استانی استفاده می‌نمایند (وکیلی، ۱۳۹۹: ۶۶). قدرت‌های استعماری، تشکیلات، امکانات، نیروی انسانی و ابزارهای پیشرفته و پیچیده و حتی مراکز علمی و پژوهشی خود را به صورت گسترده در اختیار این عملیات‌های متنوع تروریستی و به دنبال آن عملیات روانی گروهک‌های انحرافی و تروریستی قرار داده‌اند و به شدت از این ابزار به عنوان یک تهدید نرم هر چند در ابعاد کوچک، در راستای تضعیف روحیه و

نگرش مردم نسبت به انقلاب اسلامی استفاده کرده‌اند (جان احمدی و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۲).

از آنجایی که بخش زیادی از مردم استان مرزی سیستان و بلوچستان، اهل تسنن و حنفی می‌باشند و با توجه به اینکه این استان در مجاورت مرزهای ناامن کشورهای پاکستان و افغانستان واقع شده، از گذشته تاکنون شرایط مساعدی را برای استعمار نوین به‌منظور پیاده‌سازی تهدیدات نرم علیه آرمان‌های انقلاب اسلامی فراهم آورده است (احمدی‌پور و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۵)؛ به این نحو که دولت‌های استعماری به تقویت و سازماندهی گروهک‌های انحرافی و تروریستی در منطقه با مقاصد تهدیدات نرم (عملیات روانی استراتژیکی) و نیمه سخت علیه نظام پرداخته است. بخشی از این گروهک‌ها مانند جندالله به نحوی حتی پیش از انقلاب نیز وجود داشته‌اند (مختاری هشی و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۴) و چند سالی است که با تقویت و پشتیبانی کشورهای استعماری به شکل گروهک‌های تروریستی سازماندهی شده نظیر گروهک تروریستی عبدالمالک ریگی، طالبان و شبکه القاعده دست به اقدامات تروریستی و عملیات روانی می‌زنند (رئسی و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۱۴). در این پژوهش تلاش شده است تا با تبیین ژئوپلیتیکی کنشگری‌های گروهک‌های تروریستی، نحوه نگرش مردم ناحیه‌ی بلوچستان نسبت به این گروهک‌ها پس از انقلاب اسلامی تاکنون، تحلیل و واکاوی شود.

روش تحقیق

پژوهش حاضر، کاربردی و از نوع پدیدارشناسی است. پدیدارشناسی بر تفسیرپذیری، موردی بودن و ذهنی-شهودی بودن گزاره‌ها تاکید دارد و به‌جای استفاده صرف از روش‌های کمی به روش‌های کیفی و تفسیری می‌پردازد (کشتی‌آزای، ۱۳۹۷: ۹۲). با اقتباس از این نظریه و ترکیب نظریات موجود درباره تروریسم و کنشگری ژئوپلیتیکی، این پژوهش با رویکرد پدیدارشناسی انجام شده است. گردآوری اطلاعات از طریق مصاحبه نیمه استاندارد (نیمه ساختاریافته) انجام شده است. از میان روش‌های پدیدارشناسانه، این پژوهش بر پایه «روش‌شناسی کیو»^۱ انجام گرفته است. روش‌شناسی کیو ابزاری توانا برای درک ارزش‌ها، نگرانی‌ها و دیدگاه‌های فرد است که پایه آن تحلیل آماری است تا ذهنیت

^۱- Semi-Structured

^۲- Q-methodology

افراد را کشف کند و الگوها و اشتراک نظرها را آشکار سازد و بر پایه این الگوها افرادی که دارای رفتار مشترک هستند را شناسایی نموده و ساختاری برای ذهنیت کشف نشده آن‌ها را ارائه نماید (احمدیان و اسلامی، ۱۳۹۲: ۱۲۱). تفاوت اصلی روش کیو با سایر روش‌های تحقیق در علوم انسانی در این است که در این روش به جای متغیرها، افراد تحلیل می‌شوند و از تحلیل افراد، شاخص‌ها و زیرشاخص‌هایی به دست می‌آید (حسینی و همکاران، ۱۳۹۰: ۷۳). در پژوهش جاری از فرآیندی پنج مرحله‌ای به شرح زیر استفاده شده است که در ادامه، این مراحل تعریف شده و انجام آن‌ها در پژوهش حاضر مورد بررسی قرار می‌گیرد (احمدیان و اسلامی، ۱۳۹۲: ۱۲۱؛ احمدی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۹):

الف) ساخت مجموعه گزاره‌های کیو: برای شروع بایستی مجموعه‌ای از اعتقادات و دیدگاه‌های گوناگونی که درباره موضوع پژوهش در جامعه مورد مطالعه وجود دارد گردآوری نمود. این مجموعه «فضای گفتمان» نامیده شده و از منابع گوناگون مانند مصاحبه، تحلیل محتوا یا تحقیقات قبلی، مراجعه به روزنامه‌ها یا اخبار رسانه‌های گوناگون و حتی عکس، فیلم و قطعات موسیقی که در خصوص موضوع پژوهش وجود داشته باشد، قابل دستیابی است (خوشگویان فرد، ۱۳۹۶: ۱۳).

ب) انتخاب مشارکت‌کنندگان: پژوهش‌های انجام شده بر اساس روش کیو، برای نمونه‌گیری از دنیای افکار و ذهنیت افراد طراحی شده است. بنابراین نمونه‌های آماری کوچک و گلچین شده انتخاب خواهند شد و گوناگونی افراد مهم‌تر از تعداد آن‌ها است (هومن، ۱۳۹۵: ۱۱۴). در مورد تعداد مشارکت‌کنندگان نیز ۲۰ تا ۵۰ نفر را برای یک پژوهش دسته‌بندی کیو کافی می‌دانند (Reid, 2019: 21).

ج) گردآوری داده‌ها: در این مرحله مشارکت‌کنندگان مجموعه گزاره‌های کیو را با روش توزیع اجباری مرتب می‌کنند (حسینی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۹).

د) کدگذاری مجدد و محوری: در این بخش، دوباره عملیات کدگذاری محوری انجام شده و همه‌ی مقوله‌ها به‌طور کلی در قالب سه ستون اصلی شامل مقوله‌های شراطی، تعاملی و پیامدی طبقه‌بندی می‌شوند (اشتراوس و کوربین، ۱۳۹۱: ۲۶).

پژوهش حاضر، متشکل از ۲۰ نمونه آماری است که بر اساس روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و تصادفی سیستماتیک از میان دانشجویان مقطع تحصیلات تکمیلی (کارشناسی

ارشد و دکتری تخصصی) و اعضای هیئت علمی جغرافیای سیاسی و علوم سیاسی در سه دانشگاه تهران، تربیت مدرس و شهید بهشتی در سال ۱۴۰۰ انتخاب شده‌اند. آمار توصیفی نمونه‌های مشارکت‌کننده به لحاظ جنس، سن و محل زندگی در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱) آمار توصیفی مشارکت‌کنندگان

جنس	تعداد	سن	محل زندگی
زن	۱۰	۲۵ تا ۵۰	تهران
مرد	۱۰	۲۵ تا ۵۰	سایر

چار چوب مفهومی

تروریسم! واژه‌ی ترور از ریشه‌ی لاتینی Terse به معنای ترس اقتباس شده و در فرهنگ لغت به معنای وحشت به کار رفته است (Palmer, 2014: 524). از منظر ژئوپولیتیکی، مفهوم ترور، کشتن و حذف فیزیکی غافلگیرانه یا ایجاد وحشت از طریق قتل و خشونت برای نیل به اهداف شخصی، گروهی، حزبی، ایدئولوژیکی یا دولتی است. ترور در واقع به معنای عملی است که یک شخص، حزب یا گروه یا دولتی برای رسیدن به اهداف مورد نظر انجام می‌دهد. هدف تروریسم رسیدن به اهداف سیاسی و یا ایدئولوژیکی است که با کشتار افراد بی‌گناه به صورت فیزیکی یا هتک حیثیت و شخصیت آنها حاصل می‌گردد. تاکتیک آنها، ایجاد ترس در اجتماع از طریق بمب‌گذاری، کشتار و آدم‌ربایی همراه با تبلیغات شدید و عدم رعایت تمام هنجارهای حقوقی و اخلاقی در اجتماع بشری است (Fine, 2019: 272).

تروریسم از منظر مقیاس

۱- تروریسم فراملی^۲

۲- تروریسم ملی

۳- تروریسم محلی

۴- تروریسم فراملیتی

۵- تروریسم چند ملیتی^۱

¹- Terrorism

² Sub-National Terrorism

تروریسم فراملی: این نوع تروریسم بیشتر به قومیت‌ها یا اقلیت مذهبی که در داخل یک کشور در یک منطقه خاص مبارزه می‌کنند وابستگی دارند. مانند تروریست‌های گروه جندالله در بلوچستان علاوه بر عناصر امنیتی اقدام به کشتار شهروندان عادی نیز می‌کنند.

تروریسم محلی: تروریسمی است که در سطح فراتر از یک کور ولی در یک محدوده کوچک فعالیت می‌کند. مانند تروریسمی که در منطقه کشمیر جریان دارد.

تروریسم فراملیتی: تروریسمی است که افراد تروریسم تابع یک کشور که در سطح جهان عملیات انجام می‌دهند. مانند تروریسم حزب بعث عراق در دوران صدام حسین.

تروریسم چند ملیتی: این تروریسم ویژه سازمان‌ها و گروه‌هایی است که اعضای آن از کشورهای مختلف می‌باشند و در میان بنیادگرایان ایدئولوژیک رایج است بعد از جنگ ویتنام آمریکا برای جلوگیری کمونیسم در خاورمیانه و سایر مناطق با هزینه ملت‌های دیگر دو استراتژی مهم در دستور کار خود قرار داد که یکی استفاده از دولت‌های قوی در هر منطقه به عنوان ژاندارم آن منطقه و دیگری استفاده ابزاری از مذهب بود که نمونه آن در خاورمیانه یکی تبدیل نمودن ایران به ژاندارم منطقه خلیج فارس و دیگری تقویت گروه‌های مذهبی بنیادگرا بود. مبتکر این سیاست ریچارد نیکسون رئیس جمهور وقت آمریکا بود. در زمان کارتر ایده تقویت گروه‌های مذهبی در منطقه توسط زیگنوتسکی استرژیسین آمریکایی برای جلوگیری از نفوذ کمونیسم به هیات حاکمه آمریکا ارائه شد (Calder, et al, 2018: 437).

کنشگری ژئوپلیتیکی: کنش^۱ معمولاً به آن بخش از رفتار انسان اطلاق می‌شود که با قصد و نیت انجام پذیرد و انسان انتظار دارد که پس از انجام آن، به هدفی خاص دست یابد (عزیزخانی، ۱۳۹۸: ۱۹۶). برخی از دانشمندان سیاسی، اما معتقدند که واژگانی مانند قصد، نیت و یا انگیزه را باید با احتیاط به کار برد، زیرا کاربرد آنها در متون سیاسی غالباً به اراده‌گرایی و پیش‌بینی‌پذیری^۲ مربوط می‌شود و نیز بدان جهت که این واژگان، کنش انسانی را از زمینه‌های زمانی-جغرافیایی آن می‌گسلد. کنش هدف‌دار از لزوماً مجموعه‌هایی از نیات و مقاصد ساخته نمی‌شود، چرا که تمامی مراحل یک رفتار، تحت کنترل

¹ Trans-National Terrorism

²- Geopolitical Acting

³- Act

⁴- Predictability

انسان نیست. ممکن است که فاعل شروع کننده باشد اما الزاماً پایان دهنده نیست (مقدس و قدرتی، ۱۳۹۳: ۹). در واقع، کنشگری، پیامدهای ناخواسته‌ای دارد که می‌تواند بازخوردهایی داشته باشد و شرایط ناشناخته‌ای را برای کنش‌ها و کنشگران بعدی فراهم آورد. در بسیار از مواقع، کنشگری پیامدهای ناخواسته و شرایط ناشناخته‌ای را فراهم می‌آورد که در ابتدای کنش، مورد نظر کنشگر نبوده و تنها شرایط، آنرا تحمیل کرده است (گیدنز، ۱۳۹۸: ۶۳). از منظر ژئوپلیتیکی، حمله آمریکا به عراق را می‌توان مورد توجه قرار داد. در این مثال، کنشگران حکومت ایالات متحده در ابتدا با انگیزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و یا مذهبی به عراق حمله کردند، اما پس از حمله به عراق و اشغال خاک این کشور به مرور زمان با اتفاقاتی مواجه شدند که خواست اولیه آنها نبود و مقتضیات مکانی-زمانی، چنین شرایطی را به ایالات متحده تحمیل کرد. روی کار آمدن حکومت شیعی که بسیاری از دولتمردان آن حامی ایران هستند، از ابتدا خواست آمریکایی‌ها نبود؛ و یا گسترش تروریسم و تقویت جریان بنیادگرایی اسلامی نیز از ابتدا مورد نظر آنها نبود.

کنشگری ژئوپلیتیکی گروه‌های تروریستی با استفاده از جنگ روانی:

در اینجا به برخی از تکنیک‌های ژئوپلیتیکی جنگ روانی اشاره می‌شود.

اعوجاج فضایی^۱

در فرایند اعوجاج فضایی، سه پدیده به چشم می‌خورد که عبارتند از: تعدیل، شاخ و برگ دادن و جذب. یک رخداد ژئوپلیتیکی در حین انتقال از شخصی به شخص دیگر به تدریج کوچکتر از گذشته، قابل فهم‌تر و از نظر بازگو کردن، ساده‌تر می‌شود. در حین فرآیند انتقال متوالی بسیاری از جزئیات اصلی رخداد ژئوپلیتیکی کم‌کم تعدیل می‌شوند، تجربه‌هایی که در مورد اعوجاج فضایی انجام شده، نشان می‌دهد که بسیاری از جزئیات موجود در ابتدای زنجیره انتقال به شدت حذف می‌شوند. هر بار که رخداد ژئوپلیتیکی، تحریف می‌شود، میزان جزئیات هرچند با کُندی، کاهش می‌یابد. در همان زمانی که فرآیند تعدیل انجام می‌گیرد، شاخ و برگ‌های دیگری به رخداد ژئوپلیتیکی اضافه می‌گردد (Briant, 2015: 446). فرآیند شاخ و برگ دادن به رخداد ژئوپلیتیکی، به ادراک انتخابی و حفظ انتخابی موضوع در ذهن و نقل جزئیات کمی از موضوع اصلی مبتنی است. با اینکه فرآیند شاخ و برگ دادن مانند فرآیند تعدیل در هر بار که رخداد

^۱- Spatial Distortion

ژئوپلیتیکی نقل می‌شود، انجام می‌گیرد اما عناصری که در این فرآیند بر آنها تکیه شده و در هر نوبت تکرار می‌شوند، یکی نیستند. این ویژگی بیشتر به ترکیب جامعه‌ای که رخداد ژئوپلیتیکی در آن بازگو می‌شود، وابسته است. عناصری در این فرآیند شاخ و برگ پیدا می‌کنند که از نظر نقل‌کننده رخداد ژئوپلیتیکی با اهمیت هستند. چه چیزی سبب حذف برخی جزئیات و بیان برخی دیگر می‌شود؟ چگونه می‌توانیم این امر را که برخی اجزاء جای اجزای دیگر را می‌گیرند و موجب تغییر یک حقیقت می‌شوند، بیان نماییم؟ پاسخ به این پرسش‌ها در فرآیند جذب یافت می‌شود که نتیجه نیروی جاذبه عادات، تمایلات و احساسات موجود شونده است. برای مثال هنگام نقل یک رخداد ژئوپلیتیکی و سپس بازگو کردن مجدد آن، فرآیند جذب موضوع اصلی روی می‌دهد و آنگاه عناصر رخداد ژئوپلیتیکی، منطبق شده یا سازمان داده می‌شوند تا با انگیزه اصلی رخداد ژئوپلیتیکی هماهنگ شوند و این هماهنگی به گونه‌ای صورت می‌گیرد که رخداد ژئوپلیتیکی را در نهایت امر منسجم‌تر، منطقی‌تر و دارای ظاهر بهتری سازد (Howard, et al, 2018: 82). غالباً فرآیند جذب با هدف مورد انتظار فرد هماهنگی دارد و درک و یادآوری امور طبق معمول صورت می‌گیرد. از همه اینها مهمتر اینکه فرآیند جذب به خودی خود بیانگر تغییرات و اعوجاج فضایی است که منعکس‌کننده احساسات ریشه‌دار در شخص می‌باشد و همچنین وضعیت و جهت‌گیری او را منعکس می‌کند. با اینکه در امر تجزیه و تحلیل، فرآیندهای تعدیل، شاخ و برگ دادن و جذب از یکدیگر تفکیک می‌شوند، ولی این فرآیندها در عمل از یکدیگر مستقل نیستند. آنها به طور هماهنگ و در آن واحد عمل می‌کنند. این شیوه بیشتر در مصاحبه‌ها و گفتگوهای سیاسی بکار می‌رود. زیرا در مصاحبه مستندسازی کار دشواری است و می‌توان مفاهیم مورد نظر را تغییر داد. در شرایطی که مخاطبان دسترسی لازم به منبع موثق پیام را نداشته باشند، این شیوه بیشترین کاربرد را دارد (Fleming, 2019: 509).

جابه‌جایی فضایی واقعیت‌ها^۱

تولیدکنندگان متون مرتبط با رخداد‌های ژئوپلیتیکی برای دستیابی به اهداف موردنظر خود گاهی ادعاهایی علیه افراد، گروه‌های مختلف و رسانه‌های رقیب مطرح می‌کنند و

^۱- Pretension Instead of Truth

آنان را مجبور به پاسخگویی می‌نمایند. در واقع در این روش متن تولید شده، نوعی ادعا به جای واقعیت را در ذهن مخاطب تداعی می‌کند و با استفاده از کلماتی نظیر «ادعا» منبع رخداد ژئوپلیتیکی سعی می‌کند اولاً رخداد ژئوپلیتیکی را از دست ندهد، دوم اینکه صحت و سقم رخداد ژئوپلیتیکی را به گردن منبع مدعی آن انداخته، ثالثاً چنانچه رخداد ژئوپلیتیکی مورد تأیید قرار گرفت، اعتبار تولید آنرا نصیب خود کند و در نهایت پیامی را که مد نظرش می‌باشد به همراه رخداد ژئوپلیتیکی القاء نماید (Goutam, 2014: 102). این شیوه از جمله شیوه‌های جنگ روانی است که در آن نوعی ادعا در متن منتشر می‌شود و سپس این ادعا تأیید و یا تکذیب می‌شود. این شیوه در حقیقت مانند یک برگ دو طرف برنده است. استفاده‌کنندگان از آن، چه ادعا را رد و چه آن را تأیید نمایند، در هر دو صورت منبع جواب خود را گرفته است (David, 2020: 166).

تولید فضایی ترس

در این تکنیک از حربه تهدید و ایجاد رعب و وحشت میان نیروهای دشمن، به منظور تضعیف روحیه و سست کردن اراده آنها استفاده می‌شود. متخصصان جنگ روانی ضمن تهدید و ترساندن مخاطبان به طرق مختلف، به آنان چنین القاء می‌کنند که خطرها و صدمات احتمالی و حتی فراوانی بر سر راه آنان کمین کرده است و از این طریق، آینده‌ای مبهم و توأم با سختی‌ها و مشکلات را برای افراد دشمن ترسیم می‌کند (Goodman, 2020: 166). پراتکانیس، از کاربردهای دیگر این تکنیک سخن گفته و معتقد است از تکنیک توسل به ترس، گاهی برای بسیج جبهه در مقابل یک تهدید خارجی نیز استفاده می‌شود. او جوزف گوبلز، مدیر نظام داخلی تبلیغاتی آلمان هیتلری را مثال می‌آورد که همواره از عبارت «تئودور کافمن» بهره می‌گرفت که گفته بود «آلمان باید نابود شود» و گوبلز از این طریق ادعا کرد که متفقین در پی نابودی آلمان هستند. هیتلر در اشاره به تهدید کمونیسم، همواره پیوستن به حزب نازی را به عنوان راه‌حل ارائه می‌کرد. او توانست با علم کردن تهدید یهودیان و کمونیست‌ها و منسجم ساختن حزب نازی، تا حدی به اهداف توسعه‌طلبانه خود دست یابد (پراتکانیس، ۱۳۹۷: ۶۱). پیش از وقوع حمله به عراق در مارس ۲۰۰۳ رسانه‌های آمریکایی تلاش تبلیغاتی وسیعی به عمل آوردند؛ در جنگ عراق، برای تضعیف روحیه دشمن، استراتژی‌های گوناگونی به کار گرفته شد. «به شهروندان عراقی اطمینان داده شد که مسیر صلح از جنگ عبور می‌کند و این جنگ

حمایت‌های سازمان ملل را نیز به همراه خواهد داشت. به نیروهای عراقی نیز هشدار داده شد که با بزرگ‌ترین بمب‌های متعارف جهان مورد هجوم قرار خواهند گرفت. این پیام‌ها ساده بودند و دشمن را به تسلیم ترغیب می‌کرد. چنین استدلال می‌شد که در هر صورت، نیروهای عراقی بازنده جنگ خواهند بود و آمریکا با هم‌پیمانان، دارای قدرت نظامی برترند» (Abrahms, 2018: 91).

دشمن‌سازی

در تکنیک دشمن‌اهریمن‌سازی، مُبلِّغ تلاش می‌کند تا تنفّر و دشمنی جمعیت مخاطب را نسبت به عقیده گروه و یا کشورهای خاص برانگیزد؛ به نحوی که اگر گروهی (از دیدگاه رسانه) سیاست خارجی را پشتیبانی کند، صرف نظر از درست و یا نادرست بودن آن، وجهه منفی گروه حامی این سیاست را بزرگ‌نمایی می‌کند و از این طریق، بر مواضع جمعیت مخاطب اثر می‌گذارد (Corelli, 2012: 229). پراکنکائیس، در این خصوص، نکته جالب توجهی را مطرح می‌کند. او معتقد است یکی از زیانبارترین پیامدهای تبلیغات جنگی، تسهیل نابودی افراد یک ملت به وسیله افراد ملت دیگر بدون عذاب وجدان است. جنگ، نابودی و آسیب‌های فراوانی به بار می‌آورد. در چنین وضعیتی، مُبلِّغ برای کاهش ناهماهنگی شناختی احتمالی در جبهه خودی، سعی در به حداقل رساندن ماهیت انسانی قربانیان اعمال خود و یا به حداکثر رساندن استحقاق آنان در آنچه نصیب‌شان شده، خواهد داشت. به عنوان مثال در پایان جنگ جهانی دوم، هواپیماهای آمریکایی در هیروشیما و ناکازاکی با انداختن بمب‌های اتمی، بیش از ۱۵۰ هزار نفر غیر نظامی از جمله زنان و کودکان را به قتل رساندند. اما یک هفته پس از آن، یک نظرخواهی عمومی نشان داد که کمتر از ۵ درصد از جمعیت آمریکا، مخالفت خود با آن سلاح را نشان دادند. حیرت‌انگیزتر آنکه، ۲۳ درصد اعتقاد داشتند باید پیش از آنکه اجازه تسلیم به ژاپنی‌ها داده می‌شد، بمب‌های بیشتری ریخته می‌شد و این به دلیل همان عملکرد رسانه در دشمن‌سازی از ژاپنی‌ها بود (Garcia, 2019: 384). پیش از جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۱، اغلب اعضای کنگره آمریکا، صدام حسین را هیتلر جدیدی وصف می‌کردند. آنان بر مشابهت میان بمب‌های شیمیایی کردها به وسیله صدام و قتل عام یهودیان توسط هیتلر، تهاجم عراق به کویت و تهاجم آلمان به چکسلواکی و لهستان تأکید می‌کردند (پراکنکائیس، ۱۳۹۷: ۵۹). در این زمینه، «تانکار» معتقد است یکی از مؤثرترین فنون در تحریک به خصومت

علیه دشمن، استفاده از داستان‌هایی در مورد قساوت و بی‌رحمی طرف مقابل است. در جریان جنگ دوم جهانی، متحدین با انتشار گسترده این داستان که سربازان آلمانی در بلژیک، دستان کودکان را قطع می‌کردند، در برانگیختن خصومت علیه آلمان‌ها بسیار موفق بودند (سورین و تانکارد، ۱۳۹۹: ۷۷). از این رو کارشناسان جنگ روانی، با ترسیم چهره دردمند و سختی کشیده قربانیان، خشم و غضب مردم خودی و احساس همدردی با قربانیان را برمی‌انگیزند. تافلر مثالی را مطرح می‌کند. او می‌نویسد: «زمانی که یک دختر پانزده ساله کویتی، در برابر کنگره آمریکا شهادت داد که سربازان عراقی در کویت، نوزادان را می‌کشند و دستگاه‌های نگهداری نوزدان را به عراق منتقل می‌کردند، دل خیلی از مردم جهان به درد آمد. در حالی که به جهانیان گفته نشد که وی دختر سفیر کویت در واشنگتن و عضو خانواده سلطنتی است و شهادت او کاملاً صحنه‌سازی شده است» (تافلر، ۱۳۹۴: ۲۲۵).

تولید فضایی تفرقه و تضاد

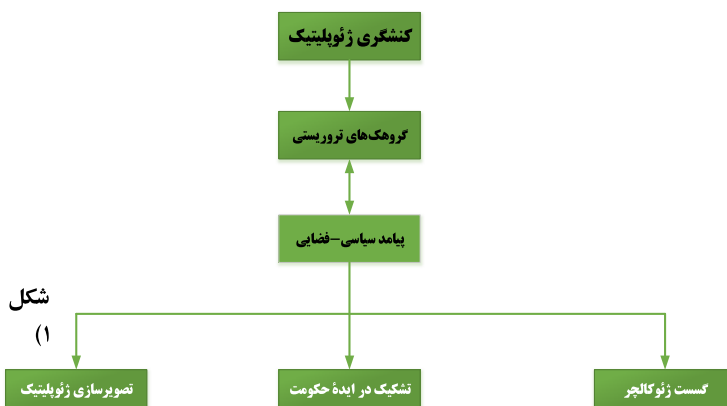
از جمله اموری که در فرآیند جنگ روانی مورد توجه قرار می‌گیرد، تضعیف دشمن به ویژه به لحاظ روانی است. دشمن باید به شکست خوردن اُنس بگیرد. آنچه در این زمینه می‌تواند مؤثر باشد، ایجاد و یا تلقین تضادهای مختلف در جبهه دشمن است. رسانه می‌تواند با ایجاد و یا تلقین درگیری میان اقلیت‌ها، قومیت‌ها، نخبگان و حاکمیت، وحدت را بین نیروهای دشمن متزلزل سازد (Kisangani and Nafziger, 2017: 407). در فرآیند سقوط دولت صدام و اشغال عراق، پیش زمینه‌های رسانه‌ای و تبلیغی نقش مهمی را ایفاء کرده‌اند. فشار و اختناق ۲۳ ساله دیکتاتوری صدام در عراق، موجبات نارضایتی عمومی در بخش‌های وسیعی از کشور فراهم کرده بود و رسانه‌های تبلیغاتی آمریکا با استفاده از این نقاط ضعف دولت صدام، اقدام به پخش شایعات وسیعی در مورد صدام و وابستگان حزب بعث کردند. این امر به افزایش شکاف بین حاکمیت و مردم منجر شد و زمینه مساعدی برای سقوط نظام بعث در عراق فراهم آورد (لطفیان و فقیه، ۱۳۹۹: ۸۱۴).

تولید فضایی و پخش شایعه

شایعه در جایی مطرح می‌شود که زمینه دسترسی به متن موقت امکان‌پذیر نباشد. «شایعه، انتقال شفاهی پیامی است که برای برانگیختن باور مخاطبان و همچنین تأثیر در روحیه آنان ایجاد می‌شود. مطالب کلی شایعه باید حول محورهای اساسی و مهمی باشد که مخاطب

نسبت به آن حساسیت بالایی دارد» (Hobbs, 2014: 57). بهترین شیوه برای القای پیام مورد نظر فرستنده پیام، در زمان‌هایی که پخش پیام به طور شفاف و روشن امکانپذیر نیست و یا در مواقعی که فکر می‌کنند با مشکلات قانونی روبرو می‌شوند، استفاده از کنایه و اشاره است (Brun, et al, 2011: 389). کنایه به دلیل غیرصریح بودن آن، معمولاً تأثیرات عمیقی بر شنونده دارد. استفاده از حره کنایه، به وفور در تبلیغات به چشم می‌خورد. شایعات زمانی رواج می‌یابند که حوادث مربوط به آن در زندگی افراد از اهمیتی برخوردار باشند و با اینکه خبرهای مربوط به آنها مبهم باشند. این ابهام زمانی به وجود می‌آید که رخداد ژنوپلیتیکی به صورت اعوجاج فضایی شده، دریافت شود یا به فرد خبرهای متضادی برسد یا فرد از فهم این گونه خبرها عاجز باشد. به هر حال شایعه همیشه دروغ نیست و همیشه داستان بدخواهانه‌ای را شامل نمی‌شود. ممکن است شایعه سبب درز کردن اطلاعات گردد؛ به ویژه در زمان جنگ، یعنی زمانی که کنترل اطلاعات نظامی از جهت امنیت ملی کشور، ضروری است (Taylor, 2020: 438). می‌توان گفت که شایعه برای به انجام رساندن دو وظیفه توأم انتشار می‌یابد: اولین وظیفه بیان و تفسیر تنش احساسی است که افراد حس می‌کنند و وظیفه دوم تسکین این تنش است. در شرایط عادی متن از طریق منابع قابل اطمینان و رادیو و تلویزیون پخش می‌شود و شایعه کمتر به حال ظهور و بروز می‌یابد. اما وقتی فشار روحی و سردرگمی به وجود می‌آید، شایعه نیز گسترش می‌یابد (Biddle, 2021: 284). در چنین شرایطی اگر چه شایعات از پشتوانه و شواهد محکمی برخوردار نیستند، اما به دلیل خودداری منابع رسمی از انتشار اطلاعات و متن کافی و شواهد که گاهی به خاطر دسترسی نداشتن به آن و گاه به لحاظ اعمال سانسور، به سرعت و از طریق تکرار در میان مردم در سطح وسیعی گسترش می‌یابد و این تکرار از آن جهت است که نیازهای هیجانی مردم را برآورده می‌کند (McGarry, 2020: 132). از جمله اولین عناصر ژنوپلیتیکی که در بحث شایعه مطرح می‌باشند، موضوع مکان و زمان شایعه است. یک شایعه‌ساز ماهر به خوبی می‌داند که شایعه وی باید موضوعی باشد که حساسیت بالایی جامعه را در زمان و مکان مناسب به خود اختصاص دهد. رابطه بین موضوع، زمان و مکان می‌باید در پخش یک شایعه به خوبی درک و احساس گردد. در خصوص بحث زمان، اعتقاد بر این است که به موقع بودن پخش شایعه بیشترین تأثیر را دارد. همچنین بالاترین تأثیر شایعه در لحظه اوج احساسات مردم نیز می‌باشد. چنانچه شایعه قبل یا بعد از

زمان تأثیرگذار، مطرح شود به همان اندازه نفوذ خود را از دست می‌دهد. مکان پخش یک شایعه نیز می‌باید کاملاً دارای مجاورت‌های معنوی و جغرافیایی باشد (Romano, et al, 2012: 86). با توجه به مرور مفاهیم و نظریه‌های تحقیق، از مدل مفهومی ذیل به عنوان چارچوبی برای تدوین مقاله استفاده شده است.



شکل
(۱)

مدل مفهومی تحقیق

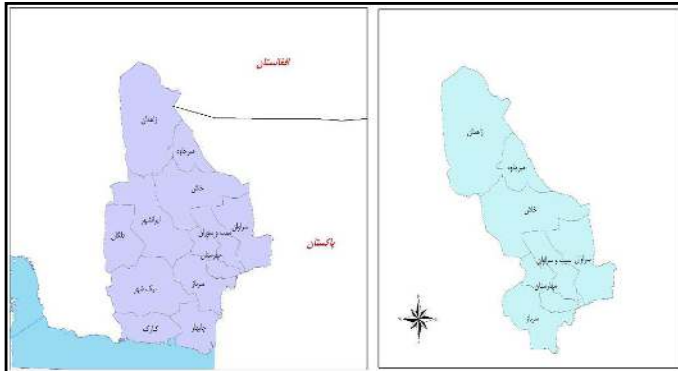
(ترسیم از نگارندگان)

قلمرو تحقیق

قلمرو تحقیق حاضر، شهرستان‌های ناحیه بلوچستان است. ناحیه بلوچستان با ۱۷۲۳۰۵ کیلومتر مربع وسعت، از شهرستان‌های زاهدان، میرجاوه، خاش، سراوان، ایرانشهر، نیکشهر، چابهار، سرباز، کنارک، دلگان، مهرستان، سیب و سوران، قصرقند و فنوج تشکیل شده است (شکل ۲). ناحیه سیستان نیز شامل شهرستان‌های زابل، زهک، نیمروز، هامون و

هیرمند است که ۱۵۹۱۷ کیلومتر مربع مساحت دارد (سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۹۹: ۲۳).

شکل ۲- نقشه ناحیه بلوچستان



یافته‌ها و تجزیه و تحلیل

مقوله اول: گسست ژئوکالچر

برای تبیین گسست ژئوکالچر در اثر کنشگری گروه‌های تروریستی در استان سیستان و بلوچستان، نخست مفاهیم بنیادی و رایج از منظر پاسخگویان و خبرگان شناسایی شدند. پس از مرحله نخست کدگذاری باز، در مرحله دوم، مفاهیم هم‌پایه و هم‌زمینه از نظر دلالت معنایی در قالب مقوله عمده طبقه‌بندی شد. در جدول ۲، هر یک از مقوله‌های عمده به تفکیک کدها و مفاهیم اولیه آورده شده‌اند.

جدول ۲) مقوله‌های عمده مستخرج در ارتباط با گسست ژئوکالچر

ردیف	مقوله‌ها	مفاهیم
۱	تهدید سنت‌ها و هنجارهای فرهنگی	دو قطبی دیدن استان به مثابه گروه‌های خیر (اهل تسنن) و شر (شعیان)، عدم قرابت ارزش‌های بلوچ با ارزش‌های سیستانی، سبک زندگی و اندیشه‌ی نامتقارن
۲	ناهمخوانی فرهنگی در جغرافیای قومی استان	تفاوت فکری میان قومیت‌های بلوچ و سیستانی، تحمل الگوهای عقیدتی به قومیت بلوچ، شکسته شدن ارزش‌های قومی و هسته‌ای بلوچ و سلطه‌ی سیستانی‌ها، تخریب بافت طبیعی قومی در استان
۳	مقایسه‌گرایی	پیدایش ذهنیت مقایسه‌گرا، مقایسه سیاسی، اقتصادی، زیست محیطی و مذهبی
۴	هویت جمعی	همسان‌سازی ^۱ هویت جمعی بلوچ در چارچوب هویت سیستانی، تحمل ژئوپلیتیکی ارزش‌ها و هنجارهای سیستانی با بلوچ
۵	هویت فردی	فقدان برخورداری قومیت بلوچ از آزادی‌های فردی مصرح در قانون، عدم استقلال مالی، عدم استقلال در تصمیم‌گیری، فقدان انتخاب آزاد، بسته بودن مسیرهای مشارکت آزاد، تعارض هویت بلوچ با هویت رسمی تبلیغی
۶	زبان و فرهنگ	عدم حمایت از تقویت زبان‌های قومی بلوچ، فارسی‌سازی گسترده
۷	ادغام ژئوپلیتیک	ادغام فرهنگ و قومیت بلوچ با دیگر هویت‌های موجود به‌ویژه از طریق کوچ اجباری از بلوچستان به استان گلستان، هژمونی فرهنگ و هویت سیستانی و به حاشیه رانده شدن هویت بلوچ

داده‌های جدول ۲ نشان می‌دهد که در این مرحله ۷ مقوله استخراج شده‌اند. در مرحله دوم کدگذاری، یعنی کدگذاری محوری به شرح هر یک از مقوله‌های فوق با ارجاع به گفته‌های افراد مورد مصاحبه و ارتباط بین آن‌ها پرداخته می‌شود.

تهدید سنت‌های فرهنگی

سنت به مثابه یک مفهوم انتزاعی و پیچیده، نقش مهمی در زیست اجتماعی و فرهنگی و چه بسا سیاسی قومیت‌ها دارد. تصویر تولید شده از سنت و هنجار در ذهنیت

^۱- Assimilation

(سویژکتیو) قوم بلوچ، دارای نوعی تفاوت کارکردی و مصداقی با هویت سپستانی است. هنجارهای سنتی به‌وسیله فرد یا افرادی وضع نشده، بلکه از بافت طبیعی و انسانی جغرافیا، سرچشمه گرفته و با ترکیب با هویت‌های دینی و مکانی، تقویت شده است. این هنجارها بخشی از فرهنگ عامه (فولکلور) هستند که آن‌ها را با عنوان سنت‌ها، رسم‌ها و آداب و رسوم می‌شناسیم. زمانی که یک الگوی رفتاری خاصی بین گروه معینی رایج شود، اعضای گروه ناچار به تبعیت از آن می‌شوند. با توجه به این مقوله، مجموعه‌ای از هنجارهای پذیرفته‌ی سنتی وجود دارند که فرد ناگزیر از اطاعت آن‌ها است. این هنجارها به‌طور سنتی از نسلی به نسل دیگر منتقل شده و مدام بر تعداد آنان افزوده می‌شود. بر همین اساس و بر اثر کنشگری گروه‌های تروریستی، این ذهنیت در میان قوم بلوچ شکل گرفته که به دلیل وضعیت موجود، هنجارهای سنتی آن‌ها از مکان تاریخی خود خارج شده است و نوعی عدم قرابت و ناهمخوانی با هویت اصیل آن‌ها به‌وجود آمده است.

ناهمخوانی فرهنگی در جغرافیای قومی استان

بر اساس مقوله یاد شده، کنشگری گروه‌های تروریستی، توانسته ذهنیت قوم بلوچ را متقاعد کند که به دلیل وضعیت موجود، تعریف مفهومی قومیت دچار تغییراتی شده است و به سختی می‌توان قرابتی میان مصداق قومی بلوچ در نسل‌های بالاتر با نسل جوان یافت. از جمله اینکه در خانواده نسل فعلی، فردیت‌گرایی بر جمع‌گرایی به شیوه سنتی آن غلبه دارد و خانواده‌ها به جای برخورداری از هسته‌های متمرکز و هویت بخش، به چندپارگی دچار شده‌اند. در چنین ساختاری، دیگر قطب‌های سنتی-مذهبی، فضای مسلط تولید و توزیع را در اختیار ندارند. بلکه، مجموعه‌ای از شبکه‌ها و جریان‌های تحمیلی، هویت قوم بلوچ را شکل می‌دهند.

مقایسه‌گرایی

بر اساس این مقوله، گسست‌های ژئوکالچر، تا حدی ناشی از مقایسه ساکنان بلوچستان با سایر نواحی، شهرها یا خارج از شهرستان محل زندگی و با یکدیگر بوده است. پدایش ذهنیت مقایسه‌گرا به‌ویژه با حجم انبوه اطلاعاتی که از سوی شبکه‌های مجازی منتسب به گروه‌های تروریستی در اختیار بلوچ‌ها قرار می‌دهد، شبکه‌ای از مقایسه‌های مختلف را در ذهن آنان بازتولید می‌کند. ابعاد و شاخص‌های این مقایسه از مقایسه‌ی وضعیت اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و زیست محیطی کشور با کشورهای دیگر تا مقایسه طبقات مختلف

اجتماعی متغیر است. بسته به اینکه قومیت‌ها چه پایگاه اقتصادی دارند، مقایسه‌های آن‌ها متفاوت است. افراد برخوردار از پایگاه‌های اقتصادی مناسب، عموماً به مقایسه‌های برون مرزی (مقایسه‌ی وضعیت کشور با کشورهای عربی) و جوانان کمتر برخوردار نیز عموماً به مقایسه‌های درون استانی (زندگی قومیت سیتانی) اقدام می‌کنند.

هویت جمعی

بر پایه این مقوله، گروه‌های تروریستی، جنگ روانی وسیعی برای اقناع قوم بلوچ به کار گرفته‌اند که تا با تصویرسازی مطلوب، تعارض هویت جمعی بلوچ با سیتانی را بقبولانند. به دلیل تعلق اکثریت سیتانی‌ها به مذهب شیعه و متقابلاً سهم بالای مذهب تسنن در میان بلوچ‌ها، تعارض هویت جمعی حالت اعتقادی و مذهبی به خود می‌گیرد. از آنجا که در جوامع سنتی، دین و مذهب نقش پررنگ و برجسته‌ای در شکل‌دهی به هویت جمعی دارد، بهره‌برداری از واقعیت‌های فضایی و بافت جغرافیایی مذهبی در استان سیستان و بلوچستان، این امکان را به گروه‌های تروریستی داده است تا سلطه‌ی فرهنگ سیتانی و به حاشیه رانده شدن فرهنگ بلوچ را تبلیغ کنند.

هویت فردی

در این مقوله، مجموعه هنجارها و گزاره‌هایی هدف قرار می‌گیرد که بنیادهای زیستی و اعتقادی قومیت بلوچ را شکل می‌دهند. جهت‌گیری این مقوله، نخست ماهیت فردی و بیشتر مرتبط با آزادی‌های فردی است، اما هدف غایی آن، برداشت و تفسیر سیاسی است. از جمله با تأکید بر فقدان برخورداری قومیت بلوچ از آزادی‌های فردی و آزادی در انتخاب، مقوله‌ی سیاسی انتخاب آزاد مدیران به میان کشیده می‌شود. این بهره‌برداری در مرحله‌ی بالاتر به تبلیغ نوعی ساخت سیاسی فضا می‌انجامد که از نظر گروه‌های تروریستی نوعی حالت خودمختاری، فدرالی و یا استقلال رسمی است.

زبان و فرهنگ

رابطه متقابل زبان با مقولات فرهنگی و ویژگی جغرافیای زبانی حاکم بر استان سیستان و بلوچستان، مقوله دیگری است که در کنشگری گروه‌های تروریستی مورد توجه قرار گرفته است. با توجه تفکیک زبانی میان سیستان و بلوچستان، مقوله زبان نیز به فضایی موثر برای کنشگری گروه‌های تروریستی تبدیل شده است. از این منظر، گروه‌های تروریستی با تبلیغ تبعیض موجود علیه قوم بلوچ، وجود آزادی‌های نسبی در میان آذری‌ها و کردها در

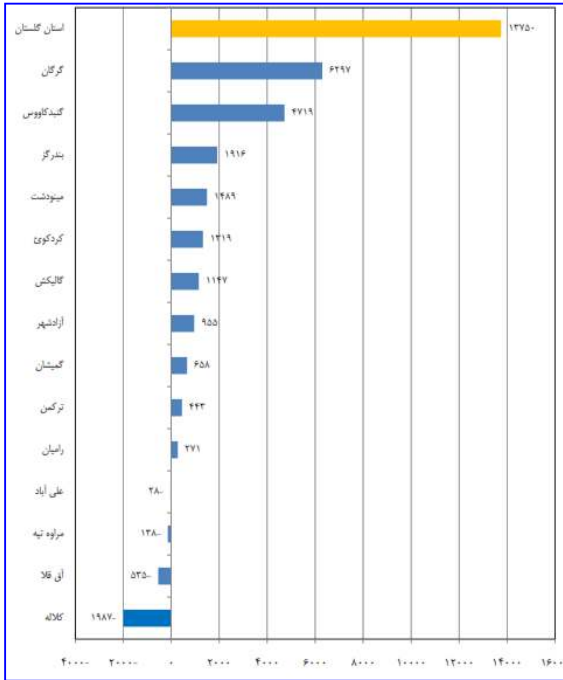
تبلیغ و تدریس به زبان مادری و سلب همین امکان از قوم بلوچ را نشانه‌ای از کوشش هیئت حاکم برای زدایش زبان بلوچی و سوق دادن آن به سوی زبان سیستانی است. در این رویه، زبان سیستانی نیز به عنوان یکی از شاخه‌های زبان فارسی شناسانده و تبلیغ می‌شود و در نتیجه، کوشش برای نزدیک کردن زبان بلوچی به زبان سیستانی به فارسی‌سازی تعبیر می‌شود.

ادغام ژئوپلیتیک^۱

بخشی از کنشگری‌های گروه‌های تروریستی مربوط به مهاجرت فراینده مردم استان سیستان و بلوچستان به استان‌های خراسان رضوی و گلستان است. طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵، میزان مهاجرت از سیستان و بلوچستان به استان گلستان افزایش یافته است (شکل ۱). هرچند عوامل متعددی را برای مهاجرت از استان سیستان و بلوچستان می‌توان برشمرد (از جمله خشکسالی‌های متعدد، کاهش حقایبه ایران از رودخانه‌ی هیرمند و مسائل اقتصادی)، با این حال، در پروپاگاندا‌ی گروه‌های تروریستی عمدتاً مسئله‌ی مهاجرت به دو صورت بازنمایی می‌شود؛ نخست اینکه مهاجرت عمدتاً مربوط به قوم بلوچ بوده و مهاجرت سیستانی‌ها کم‌تر است. در وهله دوم، علت‌شناسی مهاجرت است که در پروپاگاندا‌ی گروه‌های تروریستی عمدتاً معطوف به اراده‌ی سیاسی تفسیر می‌شود. به عبارت دیگر، از نظر گروهک‌های تروریستی، برنامه‌ریزی گسترده و هدفمندی از سوی حکومت مرکزی وجود دارد که با ناامن کردن فضای اقتصادی و زیستی بلوچستان، آن‌ها را از جداره مرزی جنوب شرق جدا کند و با اجبار، آن‌ها را وادار به مهاجرت به استان‌های دیگر کند. در چنین فرایندی، مردم بلوچ در میان دیگر مردم، ادغام می‌شوند و از حجم تعصبات فومی و مذهبی آنان کاسته می‌شود.

شکل ۱) آمار مهاجرت از سیستان و بلوچستان به استان گلستان در بازه‌زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵

^۱- Geopolitical Synthetic



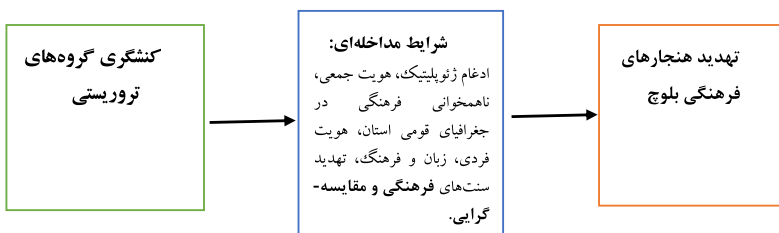
جدول زیر، اولویت‌بندی مقولات عمده و هسته، مرتبط با گسست ژئوکالچر را که ناشی از کنشگری‌های گروه‌های تروریستی در استان سیستان و بلوچستان است را نشان می‌دهد.

جدول ۳- مقوله‌های عمده و مقوله هسته گسست ژئوکالچر

اولویت	مقوله‌های عمده	مقوله هسته
۱	ادغام ژئوپلیتیک	تهدید هنجارهای فرهنگی بلوچ
۲	هویت جمعی	
۳	ناهمخوانی فرهنگی در جغرافیای قومی استان	
۴	هویت فردی	
۵	زبان و فرهنگ	
۶	تهدید سنت‌های فرهنگی	
۷	مقایسه‌گرایی	

همان گونه که در جدول ۳ دیده می‌شود، تهدید هنجارهای فرهنگی بلوچ به‌عنوان مقوله هسته انتخاب شده است. هنجارهای فرهنگی در میان مردم بلوچستان متأثر از مجموعه‌ای شرایط و بسترهای جغرافیای طبیعی و انسانی است. این شرایط و بسترها، از نظر گروه‌های تروریستی با مقولات زیر مورد تهدید قرار گرفته است: ادغام ژئوپلیتیک، هویت جمعی، ناهمخوانی فرهنگی در جغرافیای قومی استان، هویت فردی، زبان و فرهنگ، تهدید سنت‌های فرهنگی و مقایسه‌گرایی.

شکل ۲) مدل زمینه‌ای درک و تفسیر گسست ژئوکالچر



مقوله دوم: تشکیک در ایده حکومت^۱

حال که مقوله‌های عمده تحقیق در مورد گسست ژئوکالچر مورد بررسی قرار گرفت، در این بخش به تشکیک در ایده حکومت پرداخته شده است. مفاهیم و مقوله‌های به‌دست‌آمده در این بخش مطابق مرحله قبل (گسست ژئوکالچر) بررسی شده است. با توجه به مرحله کدگذاری باز و ایجاد مفاهیم، در مرحله دوم کدگذاری باز، دو یا چند مفهوم ترکیب شده و منجر به ایجاد مقوله می‌گردد. بر اساس مفاهیم بالا، ۶ مقوله عمده مرتبط با تشکیک در ایده حکومت به دست آمد که در جدول زیر نشان داده شده است.

جدول ۴) مقوله‌های عمده مربوط به تشکیک در ایده حکومت

مقوله‌ها	مفاهیم
تعارض ماهوی	وجود تعارض ماهوی میان ایده‌ها و بنیادهای جمهوری اسلامی با ایده‌های قوم بلوچ
اسلام شیعی	به حاشیه رانده شدن اسلام سنی و کنشگران سنی به دلیل هژمونی فضایی و سیاسی اسلام شیعی حاصل از انقلاب اسلامی
تعارض ساختاری	ناکارآمدی ساختار سیاسی مستقر در مدیریت کارآمد جامعه، به‌ویژه در ناحیه بلوچستان و انباشت مسائل و مشکلات اقتصادی
تبعیض قومی	بهرهمندی بیشتر ناحیه سیستان به دلیل تعلق به مذهب شیعه و کم‌برخوردار ماندن ناحیه بلوچستان به دلیل تعلق به مذهب سنی
تبعیض ساختاری	بسته بودن روزنه‌های مشارکت سیاسی برای مردم بلوچ و عدم توزیع عادلانه‌ی سمت-های مدیریتی میان بلوچ‌ها
فقدان افق روشن	باقی ماندن تبعیض و بی‌عدالتی در ناحیه بلوچستان به دلیل تعارض ماهوی و ساختاری انقلاب اسلامی با هنجارهای قوم بلوچ

همان‌طور که در جدول فوق دیده می‌شود، در این مرحله شش مقوله استخراج شده است. حال که مقوله‌های عمده‌ی تحقیق مورد بررسی قرار گرفتند، در این بخش از نوشتار به مرحله بعدی کدگذاری، یعنی کدگذاری گزینشی پرداخته می‌شود. با توجه به مفاهیم به‌دست‌آمده از تشکیک در ایده حکومت، مقوله‌ی هسته‌ای که گروه‌های تروریستی بر آن تمرکز دارند، تعارض حل‌نشده‌ی و ماندگار میان حکومت مستقر و قوم بلوچ است.

^۱ - Idea of State

جدول ۵) مقوله‌های عمده و مقوله هسته تشکیک در ایده حکومت

ردیف	مقوله	مقوله هسته
۱	فقدان افق روشن	تعارض حل نشدنی
۲	تعارض ماهوی	
۳	تعارض ساختاری	
۴	تبعیض قومی	
۵	تبعیض ساختاری	
۶	اسلام شیعی	

با توجه به مقوله‌های عمده، می‌توان مقوله هسته این بخش، یعنی تعارض حل نشدنی معرفی کرد. مقوله فوق بیانگر نقطه مرکزی است که گروه‌های تروریستی در ناحیه بلوچستان بر آن متمرکز شده‌اند. این مفهوم بیانگر نوعی احساس ناخرسندی از وضعیت موجود و تمایل به گسست سرزمینی است. تعارض حل‌ناشدنی و ماندگار میان ایده حکومت و هنجارهای قوم بلوچ، از سوی گروه‌های تروریستی با استفاده از مقولات زیر، تولید و توزیع می‌شود: فقدان افق روشن، تعارض ماهوی، تعارض ساختاری، تبعیض قومی، تبعیض ساختاری و اسلام شیعی. با توجه به آنچه گفته شد، مقوله‌های شرایطی، تعاملی و پیامدی مرتبط با تحقیق حاضر به شرح جدول زیر است.

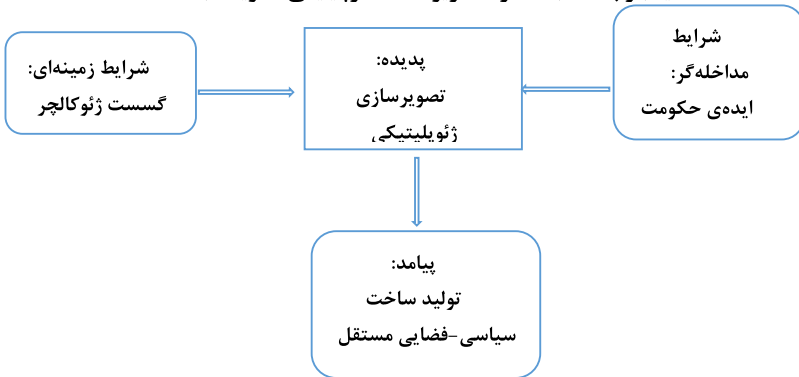
جدول ۶) مقوله‌های عمده‌ی کدگذاری شده به تفکیک ابعاد شرایطی، تعاملی و پیامدی

ردیف	مقوله‌های عمده	نوع مقوله
۱	اسلام شیعی، ناهمخوانی فرهنگی در جغرافیای قومی استان، زبان و فرهنگ	شرایطی
۲	هویت فردی، هویت جمعی، مقایسه‌گرایی، سنت‌های فرهنگی	تعاملی
۳	تعارض ماهوی، تعارض ساختاری، تبعیض ساختاری، تبعیض قومی، ادغام ژئوپلیتیک	پیامدی

با توجه به مقوله‌های عمده نهایی که در جدول بالا آمده است، می‌توان مقوله تصویرسازی ژئوپلیتیک را به‌عنوان نهایی‌ترین مقوله هسته انتخاب کرد. بر اساس این مقوله، کنشگری‌های ژئوپلیتیکی گروه‌های تروریستی، با هدف غایی تشویق مردم ناحیه بلوچستان به بازتولید تصویرسازی ژئوپلیتیکی منحصر به قوم بلوچ و متناسب با ارزش‌ها و هنجارهای ناحیه بلوچستان هستند. در واقع، تصویرسازی ژئوپلیتیکی از نظر فرهنگی به

گسست و از نظر سیاسی-فضایی به تفکیکی سرزمینی می‌انجامد. از این زاویه، گسست ژئوکالچر به مثابه شرایط زمینه‌ای و وجود تعارض میان حکومت مستقر با ارزش‌های ناحیه بلوچ (مرتبط با تشکیک ایده حکومت) به عنوان شرایط مداخله‌ای، مقوله هسته‌ای تصویرسازی ژئوپلیتیکی را توجیه می‌کند. پیامد این مقوله‌ی هسته‌ای، بازتعریف ساخت سیاسی-فضایی جداگانه و مستقل از وضعیت موجود است (شکل ۳).

شکل ۳) مدل زمینه‌ای درک کنشگری‌های ژئوپلیتیکی گروه‌های تروریستی در ناحیه بلوچستان به منظور تصویرسازی ژئوپلیتیکی تجزیه‌طلبانه



(ترسیم از نگارندگان)

نتیجه‌گیری

تداوم بی‌عدالتی فضایی در ناحیه جنوب شرق کشور که پیش از انقلاب نیز جزء نواحی حاشیه‌ای و توسعه‌نیافته محسوب می‌شد، بستر را برای فعالیت‌های میدانی و تبلیغاتی گروه‌های تروریستی فراهم کرد. فارغ از عملیات تروریستی میدانی، گروه‌های مخالف مرتبط با ناحیه بلوچستان به تصویرسازی‌های سیاسی خاصی از این ناحیه اقدام کرده‌اند. این گروه‌ها با استفاده هدفمند از شبکه‌های ارتباطی نوین، کوشش دامنه‌داری را برای همراهی مردم نواحی بلوچستان با اهداف خود به کار بسته‌اند. با توجه به فعالیت گسترده گروه‌های تروریستی در زمینه جنگ روانی، تبلیغات و پروپاگاندا در ناحیه بلوچستان، تحقیق حاضر

کوشید تا به کنشگری ژئوپلیتیکی این گروه‌ها را بررسی کند. به این منظور با در نظر گرفتن سه مقوله گسست ژئوکالچر، تشکیک در ایده حکومت و تصویرسازی ژئوپلیتیکی، کنشگری گروه‌های تروریستی بررسی شد. نتایج تحقیق نشان داد که مقوله گسست ژئوکالچر با مقولات خردتری گره خورده‌اند که عبارتند از: ادغام ژئوپلیتیک، هویت جمعی، ناهمخوانی فرهنگی در جغرافیای قومی استان، هویت فردی، زبان و فرهنگ، تهدید سنت‌های فرهنگی و مقایسه‌گرایی. در واقع، گروه‌های تروریستی با برجسته‌سازی و تهدیدسازی از مقولات ذکر شده، در پی القاء و اقناع گسست ژئوکالچر در ناحیه بلوچستان هستند. این گسست، در وهله اول با ناحیه سیستان است و در وهله دوم با فضای عمومی ایران. هم‌راستا با این شیوه، ایده حکومت نیز از سوی گروه‌های تروریستی به چالش کشیده می‌شود؛ به گونه‌ای که حکومت مرکزی مستقر را از نظر بنیادی و ماهوی، در تضاد با آرمان‌ها و ارزش‌های ناحیه بلوچستان نشان دهند. بدین منظور، روی مقولات خردتری مانند فقدان افق روشن، تعارض ماهوی، تعارض ساختاری، تبعیض قومی، تبعیض ساختاری و اسلام شیعی، تمرکز شده است. هر کدام از زیرمقولات مزبور، در راستای توجیه تعارض میان حکومت و واقعیت‌های سیاسی-فضایی ناحیه بلوچستان استفاده می‌شود. در نهایت، با ترکیب مقولات گسست ژئوکالچر و تشکیک در ایده حکومت، روی مقوله هسته‌ای تر تصویرسازی ژئوپلیتیکی تمرکز می‌شود. این مقوله که می‌توان آنرا مقوله غایی نیز نام برد، به گروه‌های تروریستی این امکان را می‌دهد تا فضای تولید و توزیع هویت ملی و دینی را در دست گیرند و با تبلیغات وسیع و بهره‌برداری از وضعیت زمینه‌ای نامناسب در ناحیه بلوچستان، به موجه‌سازی استقلال و جدایی سرزمینی پردازند. در واقع، هدف غایی از کنشگری ژئوپلیتیکی گروه‌های تروریستی در ناحیه بلوچستان، اقناع مردم این ناحیه برای به رسمیت شناختن ایده‌ی جدایی‌طلبی و تولید واحد سیاسی-فضایی مستقل است.

منابع و مآخذ:

- احمدی پور، زهرا، حیدری موصلو، طهمسبورت و میرجلالی، اکبر (۱۳۹۷)، «تین عوامل نامی در جنوب شرق ایران»، **فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی**، شماره ۲۷، صص ۴۴-۱۳.
- احمدی، سیدعباس، قزوینی، مصیب، پورعلی انی کنندی، سجاد (۱۳۹۵)، «پدیده‌شناسی هویت ملی در فضای سایبر، نمونه‌ی موردی: دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته جغرافیای سیاسی در دانشگاه‌های تهران: تربیت مدرس و خوارزمی»، **پژوهشنامه جغرافیایی سیاسی**، سال اول، شماره ۴، صص ۴۰-۲۱.
- احمدیان، مجتبی و اسلامی، روح‌الله (۱۳۹۲)، «انگرسنجی رابطه‌ی دولت و ملت در ایران (روش‌شناسی کیو)»، **فصلنامه‌ی سیاست‌های راهبردی و کلان**، سال ۱، شماره ۴، صص ۱۳۳-۱۰۷.
- اشترافوس، انسلم و کوربین، جولیت (۱۳۹۱)، «مبانی پژوهش کیفی - فنون و مراحل نظریه‌زمینه‌ای»، ترجمه‌ی ابراهیم افشار، تهران: نشر نی.
- پرانگاس، آنتونی (۱۳۹۷)، **عصر تبلیغات**، ترجمه‌ی محمدصادق عباسی و کاووس سید امامی، تهران: انتشارات مروش.
- تافلز، آلون (۱۳۹۳)، **جنگ و ضد جنگ**، ترجمه‌ی شهین دخت خوارزمی، تهران: انتشارات علم.
- جان احمدی، فاطمه، شهریار، شهرزاد و نصیری، محمد (۱۳۹۹)، «عملکرد مذهبی مرجعیت اهل تسنن جنوب شرق ایران از اواخر دوره قاجاریه تا انقلاب اسلامی»، سال ۱۱، شماره ۲، صص ۴۳-۲۰.
- حسینی، یعقوب، یحیی اردکانی، بابک و رحمانی، سحر (۱۳۹۰)، «شناسایی ذهنیت افراد نسبت به سیاست‌های خصوصی‌سازی در ایران (سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی) با استفاده از روش‌شناسی کیو»، **فصلنامه کاوش‌های مدیریت بازرگانی**، سال ۳، شماره ۶، صص ۸۰-۶۹.
- خوشگویان فرد، علیرضا (۱۳۹۶)، **روش‌شناسی کیو**، تهران: مرکز تحقیقات صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران.
- رئیس، سیما، تفضلی، حسین، نوحیدفام، محمد و طاهری، احمدرضا (۱۳۹۹)، «موانع نهادی مشارکت سیاسی زنان منطقه بلوچستان»، **فصلنامه زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)**، دوره ۱۸، شماره ۲، صص ۳۳۴-۳۱۸.
- سورین، ورنر جوزف و تانکارد، جیمز (۱۳۹۹)، **نظریه‌های ارتباطات**، ترجمه‌ی علیرضا دهقان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- عزیزخانی، احمد (۱۳۹۸)، «مفهوم کشش و ساختار در نظریه ساختاری شدن (با تأکید بر تحولات ایالات متحده آمریکا)»، **فصلنامه‌ی انسان‌پژوهی دینی**، دوره ۵، شماره ۱۷، صص ۲۱۳-۱۹۵.
- کشتی آرای، نامید (۱۳۹۷)، طراحی و اعتبار بخشی الگوی برنامه‌ی درسی تجربه شده در آموزش عالی مبتنی بر رویکرد پدیدارشناسی - فیستی، **پایان‌نامه دوره دکتری رشته‌ی جامعه‌شناسی**، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۹۸)، **نظریه‌های معاصر جامعه‌شناسی**، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- لطیفیان، سعیده و فقیه، مهدی (۱۳۹۹)، «رقابت قدرت‌های بزرگ و تداوم دشمنی در روابط ایران و آمریکا»، **فصلنامه‌ی سیاست**، دوره ۵، شماره ۳، صص ۸۳۷-۸۱۳.
- منقی، افشین و قزوینی، مصیب (۱۳۹۳)، «واکاوی گفتمان ژئوپلیتیکی انقلاب اسلامی از منظر سازه‌نگاری»، **فصلنامه‌ی متین انقلاب اسلامی**، سال ۱۶، شماره ۶۴، صص ۱۵۲-۱۳۱.
- مختاری هشی، حسین، وزیر، ترگس و قادری حاجت، مصطفی (۱۳۹۶)، «بررسی پایداری امنیت روستاهای مرزی استان سیستان و بلوچستان»، **فصلنامه سرزمین**، دوره ۱۴، شماره ۵۴، صص ۶۰-۴۳.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۶)، آمار مهاجرت‌های داخل کشور به تفکیک استان و شهرستان، تهران: مرکز آمار ایران، قابل دسترسی در: https://www.amar.org.ir/Portals/0/Files/fulltext/1394/n_mdksdshbansonvm_90.pdf
- مقدس، علی اصغر و قدرتی، حسین (۱۳۹۳)، «نظریه ساختاری شدن آنتونی گیدنز، **مجله علوم اجتماعی** دانشگاه علم اسلامی تهران، فروردین، سال اول، شماره ۴، صص ۱۷-۱.
- وکیلی، خاتون (۱۳۹۹)، «تهدیدات نرم سند ۲۰۳۰ و ارائه الگوی بومی ایرانی-اسلامی در حوزه آموزش و پرورش»، **فصلنامه مطالعات قدرت نرم**، دوره ۱۰، شماره ۲۲، صص ۹۴-۶۵.
- Biddle, W. (2021). "A psychological definition of propaganda". *The Journal of Abnormal and Social Psychology*. 26(3): 283-295.
- Bowie, N.G. (2021). "40 Terrorism Databases and Data Sets: A New Inventory", *Perspectives on Terrorism*. XV (2): 21-30.
- Briant, E.L. (2015). "Allies and Audiences Evolving Strategies in Defense and Intelligence Propaganda". *The International Journal of Press/Politics*. 20(2): 145-165.
- Brun, W., Wolff, K and Larsen, S. (2011). "Tourist worries after terrorist attacks: Report from a field experiment". *Scandinavian Journal of Hospitality and Tourism*. 11 (3): 387-394.
- Corelli, M. (2012). "Poisoning young minds in Nazi Germany: children and propaganda in the Third Reich". *Social Education*. 66 (4): 228-239.
- David, G. (2020). "Liberal and illiberal Internationalism in the Making of the League of Nations Convention on Broadcasting in the Cause of Peace." *Journal of World History*, 31(1): 165-193.
- Fine, J. (2019). "Political and Philological Origins of the Term 'Terrorism' from the Ancient Near East to Our Times". *Middle Eastern Studies*. 46 (2): 271-288.

- Master of Arts, Cultural Studies Program
Department of English University of Melbourne.
- Romano J., James, A., and King, M. (2012). "Chemical warfare and chemical terrorism: psychological and performance outcomes". **Military Psychology**. 14(2): 85–92.
- Steiger, S., Harnisch, S., Zettl, K. and Lohmann, J. (2018). "Conceptualizing conflicts in cyberspace". **Journal of Cyber Policy**. 3 (1): 77–95.
- Taylor, P.M. (2020). "Strategic Communications or Democratic Propaganda?" **Journalism Studies**. 3(3): 437–441.
- Fleming, D. (2019). "Fear of persuasion in the English language arts". **College English**. 81(6): 508–541.
- Garcia, H. (2019). "Reluctant liars? Public debates on propaganda and democracy in twentieth-century Britain (ca. 1914–1950)". **Contemporary British History**, vol. 33(3): 383–404.
- Goodman, D. (2020). "Liberal and Illiberal Internationalism in the Making of the League of Nations Convention on Broadcasting in the Cause of Peace." **Journal of World History** 31(1): 165–193.
- Goutam, U. (2014). "Pedagogical Nazi Propaganda (1939–1945)". **Proceedings of the Indian History Congress**. 75(1): 101–116.
- Hobbs, R. (2014). "Teaching about Propaganda: An Examination of the Historical Roots of Media Literacy". **Journal of Media Literacy Education**. 6 (2): 56–67.
- Howard, N., Woolley, S. and Calo, R. (2018). "Algorithms, bots, and political communication in the US 2016 election: The challenge of automated political communication for election law and administration". **Journal of Information Technology & Politics**. 15(2): 81–93.
- Kisangani, E., Nafziger, E and Wayne, P. (2017). "The Political Economy of State Terror". **Defence and Peace Economics**. 18(5): 405–414.
- Kurtulus, E.N. (2017). "Terrorism and fear: do terrorists really want to scare?." **Critical Studies on Terrorism** 10(3): 501–522.
- McGarry, E.D. (2020). "The Propaganda Function in Marketing". **Journal of Marketing**. 23(2): 131–132.
- Palmer, R.R. (2014). "The French Directory between Extremes". **The Age of the Democratic Revolution: A Political History of Europe and America, 1760–1800**. The Age of the Democratic Revolution. Princeton University Press
- Qureshi, A. (2020). "Experiencing the war 'of' terror: A call to the critical terrorism studies community". **Critical Studies on Terrorism**. 13(3): 485–499.
- Reid, E.M. (2019). **Cultural Formations in Text-Based Virtual Realities**, A thesis for the degree of